

سلول‌های دست‌چین؛ درس‌نامه خانم مرضیه مهرافزا

مقدمه

درباره آمارهای ناباروری در ایران اعداد دقیقی نمی‌شود به دست آورد؛ اما بر اساس آخرین آمارهایی که پژوهشگاه رویان ارائه کرده، حدود ۲۰ درصد از زوج‌های ایرانی مشکل ناباروری دارند؛ یعنی چیزی حدود ۳ میلیون زوج. با توجه به پیرشدن سن جمعیت در ایران و نیاز کشور به جمعیت جوان، پزشکان و مراکز پژوهشی که در این زمینه کار می‌کنند نقشی بیش از درمان زوج‌های جوان دارند و آن کمک به آینده کشور است.

دکتر مرضیه مهرافزا یکی از پزشکانی است که در این زمینه پژوهش کرده و اولین مرکز نازایی زنان را با نام مرکز مهر در استان گیلان تأسیس کرده است.

روایت مرضیه مهرافزا

از بچگی رؤیای دانشمند شدن داشت. فکر می‌کرد که چون ابوعلی سینا در کتابخانه زیاد درس می‌خوانده، او هم باید کتاب‌های خواهر بزرگ‌ترش را بخواند تا دانشمند شود. از همان دوران کودکی روحیات مذهبی داشت. در دوره شاه با پوشیه به مدرسه می‌رفت. حتی در مقاطعی تصمیم گرفت در حوزه علمیه درس بخواند؛ اما دست تقدیر چیز دیگری برای او رقم زده بود:

سال ۵۶ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شدم. همان زمانی بود که دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد که پایین‌تر از خانه‌مان بود، جلسه داشت. با شنیدن سخنرانی‌هایش علاقه‌مند شدم بروم جامعه‌شناسی بخوانم. در دبیرستان چون نمره و معدلم خیلی بالا بود، مشاور مدرسه بهم پیشنهاد داد: «مهرافزا، حالا اگه تو پزشکی هم ببری، می‌تونی واحدهای آزادت رو جامعه‌شناسی بگیری؛ پس پزشکی بزن.»

روز اعلام نتایج، پسرعمویش که دانشجوی دانشگاه آریامهر بود زنگ زد و خبر داد که مرضیه پزشکی دانشگاه تهران قبول شده؛ اما خیلی از این اتفاق خوش حال نشد، چون محکم خورد به دیوار مخالفت مادر. مادرش دیده بود که دخترها وقتی به دانشگاه می‌روند حجابشان را برمی‌دارند. به همین خاطر هراس داشت که نکند مرضیه هم در دانشگاه حجابش را بردارد؛ اما مرضیه که دوست داشت در دانشگاه درس بخواند، تدبیر دیگری اندیشید:

مرجع تقلید ما آقای خویی در نجف اشرف بود. بدون اینکه کسی بفهمد، نامه‌ای نوشتم خدمتشان و پرسیدم: «آیا جامعه ایران در آینده به پزشک متعهد یا معلم نیاز ندارد؟»

من می‌خواهم درباره‌ی دانشگاه رفتنم از شما فتوا بگیرم.» ایشان نوشت: «بسمه تعالی؛ با حفظ حجاب اسلامی بلامانع است.» جواب را مهرشده فرستادند. فتوا را نشان مادر دادم و بالاخره قبول کرد.

سال ۱۳۵۶ وارد دانشگاه شد. در دوران دانشجویی، کتاب‌های شریعتی و مطهری را می‌خواند. در این ایام عضو انجمن اسلامی شده و فعالیت سیاسی می‌کرد. سال ۱۳۵۷ عضو ثابت تظاهرات‌ها بود. به بیمارستان‌ها هم سرک می‌کشید و برای درمان مجروحین فعالیت می‌کرد. چند سال بعد از پیروزی انقلاب، در سال ۱۳۶۴ فارغ‌التحصیل شد:

سال ۶۵ تخصص زنانم را شروع کردم و سال ۶۹ استاد دانشگاه ملی تهران^۱ شدم. کنار کار علمی، فعالیت فرهنگی همیشه اولویت اولم بود. سال ۶۹ تا حدود سال ۷۱ مشغول تدریس در دانشگاه بودم. یک فرصت مطالعاتی در دانشگاه تورنتوی کانادا برایم پیش آمد. برای اینکه فلوشیپ ای‌وی‌اف و لایروسکوپ‌آدر ایران نبود که همین‌جا دوره‌اش را بگذرانم، یک سال در دانشگاه تورنتو دوره دیدم.

یک سال بعد وقتی به ایران بازگشت، در گیلان شروع به کار کرد. مرداد ۱۳۷۲ رئیس دانشگاه علوم پزشکی حکمش را برای ریاست زایشگاه رشت زد. او در آنجا اولین گروه متخصصین زنان را در استان گیلان گرد هم جمع کرد. در این ایام، از سوی رئیس دانشگاه شهید بهشتی دعوت شد که به این دانشگاه برگردد:

سال ۷۴ حدود دو سال از زمان خدمتم در گیلان گذشته بود. رئیس دانشگاه شهید بهشتی مرا صدا کرد و گفت: «برگرد دانشگاه اینجا.» من که هنوز پنج سال خدمتم تمام نشده بود، گفتم: «الان در دانشگاه منطقه محروم خدمت می‌کنم و رئیس بیمارستان هستم. یک سری برنامه برای اینجا دارم که الان نمی‌توانم برگردم. اجازه بدهید بعد از پنج سال برمی‌گردم.» جواب داد: «شش ماه بهت فرصت می‌دهم. یا برمی‌گردد یا باید استعفا بدهی و بشوی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان.» با خودم فکر کردم برنامه‌ای که دارم و تحولاتی که می‌خواهم رقم بزنم، ارزش استعفا را دارد. گفتم: «قبول است.» شش ماه بعد استعفا دادم و شدم عضو دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

^۱. دانشگاه شهید بهشتی فعلی.

^۲. مراحل باروری تخمک در آزمایشگاه.

برنامه‌ای که برای گیلان داشت، سال ۱۳۷۹ به ثمر رسید و اولین مرکز نازایی زنان را در استان گیلان تأسیس کرد. تلاش زیادی کرد تا این مجموعه به صورت دولتی تأسیس شود؛ اما هزینه‌اش زیاد بود و با آن موافقت نشد:

خیلی دلم می‌خواست این مرکز را دانشگاهی و دولتی تأسیس کنم. حتی درخواست هم دادم؛ اما چون ۵۰ میلیون برآورد هزینه‌اش بود، موافقت نشد. خودم دست به کار شدم و با وام سنگینی که آن سال‌ها گرفتم، به صورت خصوصی مرکز را راه‌اندازی کردم. بعضی از همکارانم به شوخی می‌گفتند: «خانم دکتر، با این قسط‌های سنگینی که بابت وام می‌دی، شب‌ها خواب به چشم‌هات می‌آد؟!» اما واقعیت این بود که من آن قدر به رزاقیت خداوند و کارم ایمان داشتم که آسوده‌تر از همه‌شان می‌خوابیدم. خیلی زود «مرکز مهر» بین مراجعان مختلف داخلی و خارجی جا افتاد. حتی از دبی، تونس، عربستان، کانادا و آمریکا هم مراجعه‌کننده داشتم.

امروز مرکز مهر یکی از مهم‌ترین مراکز تحقیقاتی ناباروری در استان گیلان است که تاکنون توانسته مشکل هزاران بیمار را حل کند تا بچه‌دار شوند.

اهداف درس‌نامه

۱. توجه به نقش علم در حل مشکلات امروز جامعه؛
۲. نشان دادن امکان تأسیس مراکز علمی و درمانی در سطح ملی و بین‌المللی؛
۳. آشنایی با نمونه‌های پیشرفت علمی در استان گیلان؛
۴. ارائه نمونه موفق مهاجرت معکوس از تهران به استان گیلان.

برای رسیدن به اهداف پیشنهاد می‌شود:

۱. درباره پیری و جوانی جمعیت برای دانش‌آموزان صحبت کرده و ضرورت فرزندآوری را توضیح دهید؛
۲. مستند میراث آلبرتا یا برای یک زندگی معمولی را برای دانش‌آموزان پخش کنید؛
۳. سایر دانشمندان مطرح ایرانی که ماندن را بر رفتن ترجیح داده و به جایگاه‌های والای علمی دست یافته‌اند (مانند دکتر کاظمی آشتیانی، دکتر نعمتی و...) را به دانش‌آموزان معرفی کنید؛
۴. یکی از پزشکان موفق را به کلاس دعوت کنید تا از تجربیاتش برای دانش‌آموزان صحبت کند.

تکالیف

۱. دانش‌آموزان کتاب *سلول‌های بهاری* و *داستان رویان* را بخوانند و در کلاس درباره آن بحث کنند؛
۲. از دانش‌آموزان بخواهید درباره دلایل مهاجرت معکوس تحقیق کرده و در کلاس درس کنفرانس دهند؛
۳. دانش‌آموزان درباره سایر نمونه‌های موفق پیشرفت پزشکی استان تحقیق کرده و نتیجه را در کلاس درس ارائه دهند؛
۴. دانش‌آموزان از پدربزرگ یا مادربزرگ‌هایشان درباره امکانات پزشکی در گذشته مصاحبه بگیرند.

